

پیش‌گفتار

مرجعیت علمی

سیدمهدی سیدی^{۱*}

۱. * نویسنده مسئول: دانشیار پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری، و عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی seyedi@nigeb.ac.ir

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

علم در طول تاریخ با بشر همراه بوده و در عصر حاضر بر سرعت رشد آن افزوده شده است. یکی از نمودهای علم نوین افزایش امید به زندگی انسان است. همواره علم برای دارندگان آن منافع عدیده‌ای داشته که یکی از آنها استفاده برای تفوق، برتری و استعمار بوده است. این وجه منفی در سده‌های اخیر بسیار بیشتر از قبل نمود یافته و در واقع علم را تبدیل به یک ابزار بسیار کارا برای برتری‌جویی و سلطه کرده که در معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. بر این اساس جهان را به دو گروه اصلی کشورهای تولیدکننده علم و کشورهای مصرف‌کننده علم تقسیم می‌کنند. در جهان فعلی، گروه تولیدکنندگان علم مجمع‌متحدهی تشکیل داده‌اند تا انحصار تولید علم را دست خود داشته باشند و با این سیاست و ابزارهایی که در دست دارند استانداردها، قوانین، روابط، محدودیت‌ها، مجوزها، و را در دست خود حفظ کنند و به این وسیله توانسته‌اند ابزارهای حاکمیتی خود را محکم و استوار کنند. حتی نفوذ و قدرت آنها باعث شده تا بسیاری از سازمان‌های به ظاهر بی‌طرف بین‌المللی را تحت نفوذ و اختیار خود داشته باشند و برخی امیال خود را از طریق آنها عملی کنند. بنابراین، در این شرایط کشورها در مسیر نیل به استقلال علمی، با بسیاری از مشکلات روبرو می‌شود. توصیه این مجمع تابعیت از قواعد ایشان که گاه از آن به عنوان «نظم نوین جهانی» تعبیر می‌شود؛ است. بسیاری از کشورهای نوظهور در پیشرفت، این قواعد را قبول کرده و موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌اند و گاه در برخی علوم نیز مرجع شده‌اند، ولی این مرجعیت در سایه فرمانبرداری است و هرگاه مجمع تصمیم بگیرد، می‌تواند تنها در مدت چند روز، تمام ارکان این کشورها را برهم‌ریزند.

اسلام با شعار علم پای به عرصه گذاشت و تفکر، تعقل و یادگیری علم از جمله مواردی است که در قرآن و احادیث به وفور بر آن تأکید شده است. همین توصیه‌ها باعث شد که تمدن اسلامی با استفاده از توصیه‌های مذهبی به سرعت شکل گیرد و بخش بزرگی از جهان را از جهالت بیرون آورد. ولی متأسفانه بتدریج فاصله گرفتن از تعالیم اصیل اسلامی باعث شد تا دارایی‌های علمی مسلمانان کم کم به حالت سکون و سپس حالتی نزولی به خود گیرد و در نهایت امت اسلام قدرت علمی خود را به دیگران واگذار کرد.

انقلاب اسلامی در ایران با شعار کلیدی استقلال به پیروزی رسید و این امر برای مجمع استعمارگر علمی بسیار گران بود. اولین، مهم‌ترین و کاراترین سیاست کشورهای استعمارگر علمی در کشورهایی که به دنبال استقلال علمی بودند، پیاده کردن سیاست‌های فرهنگی است. یکی از اقدامات اولیه در این خصوص، جدا کردن مردم از گذشته خود و تبدیل ایشان به مردمی بی هویت است تا مجبور شوند برای پیشرفت، آنچه برایشان تجویز می‌شود را به اجرا بگذارند.

بیداری علمی در کشورمان که پس از انقلاب اسلامی و با افکار امام راحل آغاز شد در طول ۴۲ سال ادامه یافت و یکی از بزرگترین مشوقان و نظریه‌پردازان در این خصوص مقام معظم رهبری است.

در جمهوری اسلامی ایران هدف غایی علم، کمک به بشریت برای سعادت و کمال است. فروکاستن از این باور و نشان دادن علم در جایگاه ابزاری برای ثروت‌اندوزی، پیروی از نظریه پردازان غربی است؛ لذا باید در تمامی اهداف، فرایندها، آیین‌نامه‌ها، و ... به‌طور عملی و اجرایی به این موضوع پرداخته شود. متأسفانه این امر در کشورمان به‌درستی درک نشده و به‌طور کامل در حد اجرا و عمل، به‌کار بسته نشده است؛ لذا به نظر می‌رسد ابتدا باید نقطه نظرات مقام معظم رهبری تبیین و مدلی اجرایی از آن استخراج شود تا بتواند در نقشه جامع علمی کشور و نیز نقشه جامع علمی مورد استفاده قرار گیرد. با طراحی مدل مناسب و برای حصول به نتیجه، باید شاخص‌هایی برای جنبه‌های تعالی انسان، جنبه‌های اخلاقی، تزکیه، اسان دوستی، و تمهید شود و در بخش‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد.